

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دپلوم انجنیر خلیل الله معروفی
برلین – ۹ سپتمبر ۲۰۱۰

نهم سپتمبر

سالروز مرگ یک خائن

فکر کنم که حکیم ناصر خسرو بلخی بود، که ده قرن پیش در بلخ فرمود:

به مرگ کسان دل مدارید شاد
که گردون همیشه نگرود به داد

و پیش از او، حکیم فردوسی نامور در غزله ندا در داده بود:

به مرگ بدان شادمانی رواست
اگرچه تن ما همه مرگ راست

از قوانین مُسلم و خیلی عادلانه نظام طبیعت، یکی هم "آمدن و رفتن" است، یعنی "زادن و مردن" (۱). خواه خوش شویم و یا خفه، همه می میریم و هیچ کس زنده جاوید نیست. معلوم است که مرگ تا مرگ تفاوت دارد. به گفته بزرگان مرگ کسانی به مانند کوه هندوکش و سپین غر و سلیمان و بابا سنگین است، مگر مرگ کسانی دیگر از بال مگس و پر کاه هم سبکتر!!!!!!

خوشا به حال کسی که مرگش چنان و وای به حال کسی که مرگش چنین است!!!!!!

سه روز پیش وقتی وبسایت تول افغان خبر مرگ "مارشال دلگی مشر" را نشر کرد، در دل گفتم: چقدر بد شد که این جنایتکار به مرگ خود باشنده جهنم گشت و همنیش خائن اعظم. خبر مگر بعداً رد گردید و سر و کله "دلگی مشر" گویا از مغز کشور اوکراین و از "پوهنتون کیف"، بالا شد. باز در دل گفتم: شاید خداوند منتقم مقدر کرده، که سرنوشت این جنایت پیشه را خود مردم مظلوم و قربانیان رقم زنند!!!!!!

شیخ اجل (۲) هشت صد سال پیش ارزش "خون" را این طور بیان کرد:

به مردی که ملک سراسر زمین
نیرزد که یک قطره خون بر زمین

حضرت سعدی به "مردی" و "مردانگی" قسم یاد کرده فرماید:
قسم به "مردی" که پادشاهی روی زمین به قطره خونی نمی ارزد که از بیگناهی بر زمین ریزد.

با معیار شیخ سعدی حالا مرتبت قاتلان و جنایتکاران را درمیابیم و درمی یابیم که جایگاه جنایتگرانی چون مارشال دلگی مشر و قاندهش، خائن اعظم و ظلمه و انصارشان در کجاست!!!!!!

خواهند پرسید که "خائن اعظم" کیست؟؟؟
کسانی که نوشته های مرا خوانده اند، میدانند که مرادم کیست. "خائن اعظم" سردهسته خائنان معاصر افغانستان است که امروز - نهم سپتمبر - سالروز نهم مرگش را تجلیل میکنیم. من او را ازین سبب نیز بدین لقب مفتخر ساخته ام، که او را "سردهسته تجزیه طلبان" میدانم. "خائن اعظم" در حلقه دوستان و ظلمه خود بارها گفته بود:

« از خداوند میخواهم در سرزمینی زندگی کنم، که وقتی خانه کسی را تق تق
بزنم، از آن طرف نپرسد که : "خوک یی"»

یعنی که در قلمرو او حتی یک نفر "پشتون" هم زندگی نکند. اینست نمونه اعلای "تجزیه طلبی" وطن ما افغانستان عزیز و بجان برابر و کسی که چنین سخنی را گفته، و آن هم نه یکبار بلکه باربار، به یقین که "خائن اعظم" است؛

یعنی سردهسته خائنان و بزرگترین خائن!!!!

طومار جنایات "خائن اعظم" بسیار دراز است و افغانان آگاه و واقع بین از آن کاملاً مطلعند. بعض کسان وی را "سگ هر سوار" نیز خوانده اند، چه از هر جا هدایت و پول میگرفت و در خدمت دولتهای مختلف قرار داشت:

در خدمت روسیه و ایران و فرانسه و ممالک آسیای مرکزی و طوری که سرانجام
معلوم گشت، در خدمت اتا زونی نیز!!!!

توضیحات:

۱- "زادن" کلمه زیبای دریست که هم بشکل لازمی بکار رفته است و هم در صبغت متعدی. یعنی "زادن" هم در معنای "تولد کردن" است و هم در معنای "تولد شدن"، هم در معنای "بدنیا آوردن" و هم به معنای "بدنیا آمدن". در متن بالا "زادن" مراد از "بدنیا آمدن" و "تولد شدن" یعنی مقابل "مردن" است.

۲- "اجل" (به تشدید لام بر وزن اشد و اعم و اصم و اکبر و افضل) صیغه تفضیل "جلیل" و در معنای "بزرگتر یا بزرگترین" است؛ همان قسمی که "اشد" صفت تفضیل "شدید"، "اعم" صفت تفضیل "عام"، "اعلم" صیغه تفضیل "عالم" یا "علیم"، "اکبر" صیغه تفضیل "کبیر"، "افضل" صفت تفضیل "فاضل" است؛ یعنی "شدید تر و شدیدترین، عام تر و عامترین، دانا تر یا دانا ترین، بزرگتر یا بزرگترین، فاضل تر و فاضلترین.

پس "شیخ اجل" یعنی "بزرگترین شیخ"!!!